

انجمن ایران و آمریکا در مشهد

محمد کاظم رادمنش

کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی

حسین ابراهیمی

کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی

چکیده

انجمن روابط فرهنگی ایران و آمریکا یکی از مهمترین ابزارهای آمریکا برای گسترش نفوذ در جامعه‌ی ایران و به تبع آن تسلط بیشتر در عرصه‌ی سیاسی بود. بررسی تکاپوهای این انجمن و تفکیک عرصه‌های فعالیت آن، بیانگر اهداف درازمدت آمریکا در ایران است. به ویژه آن که سردمداران امر در انجمن روابط ایران و آمریکا می‌کوشیدند تا با تأسیس شعباتی در شهرهای بزرگ ایران، دامنه‌ی فعالیت‌های خویش را به سراسر ایران‌زمین توسعه دهند. در این جستار تلاش خواهد شد تا با بررسی منابع و اسناد موجود تصویری مختصر از اقدامات و طرح‌های این انجمن به‌ویژه در مشهد به‌دست داده شود.

واژگان کلیدی: انجمن ایران و آمریکا، مشهد، فولبرایت، فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی و اجتماعی

درآمد

سابقه‌ی آشنایی و ارتباط سیاسی ایران و آمریکا به دوره‌ی ناصرالدین‌شاه قاجار باز می‌گردد. براساس اسناد موجود، نخستین پیوندهای میان دو ملت در عرصه‌ی مبادلات تجاری بسیار محدود به ظهور پیوست. لیکن به مرور زمان و همگام با توسعه‌ی برنامه‌های استعماری آمریکا در عرصه‌ی جهانی و تبدیل این کشور ابرقدرت برتر جهان، روابط ایران و آمریکا نیز گسترش قابل ملاحظه‌ای یافت. نکته‌ی درخورِ نگرش در این بین، شیوه‌ی عمل آمریکاییان در ایران است. به این ترتیب که ابتدا با ورود به عرصه‌ی فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی به تحکیم بنیان‌های نفوذ خویش در ایران پرداختند. چرا که نفوذ فرهنگی می‌توانست به استمرار تسلط در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی کمک شایانی بنماید.

تشکیل انجمن‌ها، سازمان‌ها و تدوین برنامه‌های فرهنگی، ابزار آمریکاییان در این زمینه به شمار می‌آید. در این بین تأسیس انجمن روابط فرهنگی ایران و آمریکا^۱ یکی از مهمترین برنامه‌های بلندمدت آمریکا در ایران بود که نقش قابل ملاحظه‌ای در گسترش روابط ایران و آمریکا و تحقق مقاصد و تأمین مطامع دولت آمریکا داشت. در واقع با عنایت به این نکته‌ی مهم که «بنیان فعالیت‌های سیاسی بر ارکان فرهنگی استوار شده است.» (موجانی، ۱۳۷۵: ص ۱۳۵) آمریکایی‌ها کوشیدند با ورود به عرصه‌های فرهنگی زمینه‌های نفوذ خویش را گسترش داده و آن را مستحکم نمایند. به عبارت دیگر آمریکاییان کوشیدند با در نظر گرفتن این نکته که فرهنگ یکی از عوامل تعیین‌کننده و شاخص در فرآیند توسعه می‌باشد، (پورشافعی، ۱۳۸۰: ص ۵۹) از طریق حضور پررنگ و مؤثر در این عرصه، عنان برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران را به دست گیرند. بدیهی است در صورت موفقیت در این زمینه به آسانی می‌توانستند روند توسعه‌ی جامعه‌ی ایران را به سمت و سوی که خود می‌پسندیدند و با منافع و مطامع آنها هماهنگی کامل داشت، هدایت نمایند. به‌ویژه آنکه بر اساس نظر برخی جامعه‌شناسان پیرو سنت ماکس وبر (Max Weber) جامعه‌شناس شهیر آلمانی، کشورهایی که در آنها فرهنگ‌های اسلامی و کنفوسیوسی غلبه دارد؛ به هیچ‌روی توسعه‌ی موفق نظام سرمایه‌داری را در خود نخواهند داشت. (هانتینگتون، ۱۳۸۱: ص ۳۳۹) از این روی آمریکاییان از همان ابتدای حضور در ایران با هدف قراردادن فرهنگ ایرانی- اسلامی و تلاش برنامه‌ریزی شده، کوشیدند تا از طریق جهت‌دهی به فرهنگ ایرانی و دور نمودن آن از بنیان‌های مذهبی و اسلامی‌اش و در مقابل ترویج ارزش‌های غربی، جامعه‌ی ایران را تبدیل به جامعه‌ای

غربگرا و مصرفی که در همه‌ی ابعاد وابسته به غرب باشد، تبدیل نمایندند. تأسیس انجمن ایران و آمریکا نیز در پیوند با همین گرایش می‌باشد.

براساس بررسی‌های موجود پیشینه‌ی تشکیل انجمن ایران و آمریکا به دوران پیش از انقلاب مشروطه و تلاش‌های برخی محافل بهایی ساکن ایران و آمریکا باز می‌گردد. در این پیوند بهاییانی که به آمریکا مهاجرت کرده بودند و عموماً افراد متمول و ثروتمندی به شمار می‌آمدند، از طریق برقراری ارتباط با محافل بهایی داخل ایران درصدد گسترش تکاپوهای خویش برآمدند. البته در این مسیر از حمایت ضمنی سفارت آمریکا در ایران نیز برخوردار بودند. (موجانی، ۱۳۷۵: ص ۱۳۷) نمونه‌ای از تلاش‌های ایشان در جریان حضور مورگان شوستر در ایران و همراهی بهاییان ساکن ایران از وی رخ داد. اما مهمترین اقدام این محافل بهایی تشکیل «انجمن تربیت ایران و آمریکا» در سال ۱۳۲۸هـ. ق/ ۱۹۱۰م در آمریکا می‌باشد. (همانجا، ص ۱۳۱)

مؤسسين این انجمن هدف خویش را «نشر معارف و تأیید بنای مدارس در ایران» (همانجا) بیان می‌کردند. هزینه‌های جاری این انجمن هم بوسیله‌ی حق عضویت اعضا تأمین می‌گردید. البته وابستگی برخی از اعضای این انجمن به محافل بیگانه، نکته‌ای قابل تأمل است. به گونه‌ای که این مسئله تا حد زیادی تکاپوهای این انجمن را در زمینه‌ی امور خیریه و آنچه به ظاهر در اهداف آن ترسیم شده بود زیر سؤال می‌برد. (همانجا، ص ۱۵۸ - ۱۴۵)

دومین تلاش در زمینه‌ی تأسیس چنین مجامعی مربوط به تأسیس انجمن ایران و آمریکا به سال ۱۳۰۴هـ. خ/ ۱۹۲۵م می‌باشد. در این سال نخستین بار توسط حسین علاء وزیرمختار وقت ایران در آمریکا پیشنهاد تشکیل انجمن ایران و آمریکا ارائه گردید. (حیدری، ۱۳۸۵: ص ۱۸) این انجمن که متشکل از اعضای ایرانی و آمریکایی بود تا سال ۱۳۰۶هـ. خ/ ۱۹۲۷م به فعالیت خود از طریق برگزاری جلساتی در فواصل معین زمانی ادامه داد. اما در این سال فعالیت‌های آن برای مدت هفت سال متوقف گردید. احیای مجدد این انجمن در سال ۱۳۱۳هـ. خ/ ۱۹۳۴م نیز چندان دوامی نداشت. (ترابی، ۱۳۷۹: ص ۱۱۹ - ۱۱۸) تا اینکه:

«دامنه فعالیت‌های فرهنگی ایران و آمریکا پس از ورود کایلر یانگ [Cyler Young] اولین نماینده مطبوعاتی سفارت آمریکا در تهران در ژانویه ۱۹۴۵ [دی ماه ۱۳۲۴] وسعت بیشتری یافت.» (همانجا، ص ۱۱۹)

متقابلاً پس از گذشت دو سال ایران نیز در سال ۱۳۲۶هـ. خ/ ۱۹۴۷م با هدف توسعه‌ی روابط دوستی و فرهنگی، مؤسسه‌ای به نام انجمن ایران و آمریکا در واشنگتن پایه‌گذاری نمود. (کرامتی،

۱۳۸۳: ص ۳۷) «علی‌الظاهر انجمن دارای دو رئیس بود: یکی ایرانی و دیگری آمریکایی؛ اما در عمل این انجمن صرفاً و به طور یک‌طرفه ناقل فرهنگ غرب به ایران بود.» (حیدری، ۱۳۸۵: ص ۱۸)

شیوه‌ای که آمریکاییان برای نیل به این هدف در پیش گرفته بودند بسیار درخور نگرش بود. در این پیوند فعالیت‌های انجمن ایران و آمریکا را می‌توان به دو بخش کلی تقسیم نمود. نخستین بخش اقدامات آموزشی نظیر برگزاری کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی، آموزش فرهنگ، تاریخ و تحولات اجتماعی جامعه‌ی معاصر آمریکا و ... بود. دومین بخش نیز شامل تکاپوهای فرهنگی - اجتماعی انجمن از طریق برگزاری جلسات سخنرانی، دعوت از اندیشمندان آمریکایی در عرصه‌های مختلف علوم و نیز اجرای برنامه‌های هنری چون اجرای نمایشنامه، کنسرت و نمایش فیلم با دعوت از هنرمندان آمریکایی می‌شد. به این ترتیب و با چنین اقداماتی:

«انجمن ایران و آمریکا در طول پنجاه سال فعالیت به مهم‌ترین پایگاه فرهنگی آمریکا تبدیل شد و در دوره خود بزرگترین کانون رابطه فرهنگی بین دو ملت در تمام دنیا به شمار می‌آمد. این انجمن همواره از پشتیبانی دولتمردان ایرانی طرفدار آمریکا برخوردار بود.» (آشنا، ۱۳۸۴: ص ۱۶)

یکی دیگر از مسائلی که به تقویت انجمن ایران و آمریکا کمک شایان توجهی نمود، امضاء موافقتنامه‌ی فولبرایت (J. W. Fulbright) در شهریور ۱۳۲۸ هـ.خ/ سپتامبر ۱۹۴۹ م بین ایران و آمریکا بود.

«در سال ۱۹۴۴ [۱۳۲۳] سناتور ویلیام فولبرایت که یکی از دانشمندان آمریکایی است تحت تأثیر الهامات معنوی تمایلات ملت آمریکا لایحه‌ای تنظیم و پیشنهاد کرد دائر بر اینکه جوهیکه در نتیجه فروش مازاد اموال آمریکا از قبیل اتوموبیل جیب و لباس، مواد شیمیایی و غیره بدست می‌آمد در راه امور فرهنگی و تعلیم و تربیت مصرف شود.» (دانشور، ۱۳۲۹: ص ۱۶)

البته اگرچه این قرارداد در سال ۱۳۲۸ هـ.خ/ ۱۹۴۹ م امضا شده بود، اما اجرای عملی آن و به عبارت دیگر فعال‌سازی برنامه‌ی فولبرایت در تاریخ ۴ آذر ۱۳۳۶ هـ.خ/ ۲۵ نوامبر ۱۹۵۷ م و پس از انعقاد موافقتنامه‌ی جدید آغاز شد. در موافقتنامه‌ی جدید به منظور رفع مشکل فقدان بودجه که موجب مسکوت ماندن این قرارداد در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۶ - ۱۳۲۸ هـ.خ/ ۱۹۵۷ - ۱۹۴۹ م شده بود، مبلغ دو بیست و پنجاه هزار دلار در سال به منظور مبادله‌ی دانشجویان و استادان پژوهشگر و کارشناس بین دو کشور اختصاص یافت. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۷: ص ۲۶۳)

به این ترتیب پس از این تاریخ انجمن ایران و آمریکا واقع در واشنگتن از طریق همکاری مستمر با انجمن ایران و آمریکا در تهران و به منظور ارائه برنامه‌های آموزشی و مبادله‌ی دانشجویان ایرانی و با استفاده از اعتبارات «کمسیون مبادله فرهنگی ایران و آمریکا» (دانشور، ۱۳۲۹: ص ۱۹) یا همان کمیسیون دو جانبه‌ی فولبرایت اقدام به اعزام دانشجویان ایرانی به آمریکا برای ادامه‌ی تحصیل نمود.

انجمن ایران و آمریکا شعبه‌ی مشهد

انجمن ایران و آمریکا از همان آغازین سال‌های تأسیس، اقدام به دایر نمودن شعباتی در شهرهای بزرگ ایران چون اصفهان، شیراز، اهواز، کرمانشاه، تبریز و مشهد نمود. (آشنا، ۱۳۸۴: ص ۱۷) در این بین شعبه‌ی انجمن ایران و آمریکا در مشهد را باید مهمترین شعبه‌ی این انجمن پس از شعبه‌ی مرکزی که در تهران مستقر بود، به شمار آورد. دلیل این امر هم ویژگی‌های خاص شهر مشهد می‌باشد. زیرا مشهد نه تنها بزرگترین مرکز جمعیتی شرق ایران به شمار می‌آید، بلکه به خاطر وجود مضجع منور امام رضا^(ع) بیشترین ظرفیت پذیرش مسافری و زائرین از سراسر ایران را داشته و همچنین دومین شهر مهاجرپذیر کشور به شمار می‌آید.

قابلیت مهاجرپذیری و نیز جذب مسافران از سراسر ایران اهمیت بسیار بالایی برای تکاپوهای فرهنگی به این شهر می‌بخشید. توضیح اینکه وجود بارگاه امام رضا^(ع) عاملی تاثیرگذار در جذب زائران به این شهر می‌گردید. بدیهی است اکثریت قریب به اتفاق این زائران و مسافران، برخاسته از قشر مذهبی و عموماً طبقات فرودست جامعه‌ی ایران بودند. حال اگر به این نکته توجه داشته باشیم که هر مسافری به صورت بالقوه قابلیت انتقال فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی را از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر دارد و به عبارت دیگر هر مسافر، سفیری است که پیامی از فرهنگ زادبوم خویش به همراه دارد و متعاقباً می‌تواند حامل پیامی از فرهنگ محل و مقصد سفر خود به جامعه‌ی زادگاه خویش باشد. در این صورت برنامه‌ریزی برای جذب و بکارگیری این توان درخور توجه می‌تواند کمک شایانی به پیشبرد اهداف فرهنگی بنماید.

به غیر از ظرفیت موجود در بین مسافری و زائرین این شهر، جمعیت ساکن مشهد نیز علی‌رغم غلبه‌ی قشر مذهبی در آن قابل توجه می‌باشد. به این صورت که مشهد به خاطر ویژگی خاص شهر و سیطره‌ی تفکرات مذهبی در بین مردم آن به مرور زمان تبدیل به یکی از مادرشهرهای فرهنگی و معنوی ایران شده بود. بدیهی است در صورتی که بتوان در ارکان فرهنگی حاکم بر

جامعه‌ی مشهد، تأثیری همسو با اهداف خویش ایجاد نمود، بازخورد آن در سایر مناطق اقماری این کلان شهر بسیار شایان توجه خواهد بود. در واقع همچنان‌که امیل دورکیم (Émile Durkheim) جامعه‌شناس شهیر فرانسوی متذکر می‌شود از آنجا که:

«قوت و ضعف فرهنگ‌ها کمتر موقوف به قوت و ضعف ارزش‌های سازنده آنها و بیشتر تابع نیروی وسایل ارتباطی اشاعه‌دهنده آنها [است] و بنابراین فرهنگ‌های واجد نظام ارزشها [ی] بسیار گسترده و والا ممکن است در تماس با فرهنگ‌های دیگر که وسایل ارتباط و اشاعه نیرومندی در اختیار دارند، محو و مضمحل شوند.» (دورکیم، بی‌تا: ص ۲۴۴)

این‌گونه به نظر می‌رسد که سررشته‌داران امور انجمن ایران و آمریکا با وقوف به این مباحث و با انگیزه‌ی بهره‌برداری دلخواه از توانمندی‌های موجود در شهر مشهد، به منظور تدوین برنامه‌های مورد نیاز برای نیل به اهداف غایی انجمن، با تکیه به حمایت‌های همه‌جانبه‌ای که از آن می‌شد، اقدام به تأسیس شعبه‌ی انجمن ایران و آمریکا در مشهد نمودند. فعالیت‌های گسترده‌ی این انجمن در مشهد خود دلیلی است بر اثبات فرضیه‌ی مطرح شده در بالا.

اگرچه به دلیل از بین رفتن کلیه‌ی اسناد و سوابق انجمن فرهنگی ایران و آمریکا در جریان به آتش کشیدن ساختمان این انجمن توسط مردم خشمگین و انقلابی در سال ۱۳۵۷ هـ.خ/ ۱۹۷۹م (جلالی، ۱۳۷۸: ص ۳۰) و فقدان اسناد دست اول برخی منابع به بیان تاریخی تقریبی در خصوص زمان تأسیس شعبه‌ی انجمن ایران و آمریکا در مشهد اکتفا کرده و از محدوده‌ی زمانی سال‌های دهه‌ی ۱۳۳۰ هـ.خ/ ۱۹۵۰م در این زمینه یاد کرده‌اند؛ (همانجا) اما بررسی برخی گزارش‌های مأخوذ از جراید و نشریات آن مقطع زمانی در تعیین تاریخ دقیق افتتاح شعبه‌ی انجمن ایران و آمریکا در مشهد بسیار یاری‌گر است.

به گزارش روزنامه‌ی خراسان نخستین بار:

«بنا بدعوتیکه از طرف اداره فرهنگ خراسان بعمل آمده بود. عده‌ای از معاریف و محترمین شب جمعه ۲۰ مهر [۱۳۳۵ هـ.خ/ ۱۲ اکتبر ۱۹۵۷م] در محل دبیرستان فروغ بمنظور تشکیل انجمن روابط فرهنگی ایران و آمریکا حضور یافتند.» (روزنامه‌ی خراسان، ۱۳۳۵/۷/۲۲: ص ۴)

نکته‌ی حایز اهمیت در این جلسه، حضور جمعی از مقامات کشوری و لشگری استان می‌باشد. اگرچه روزنامه‌ی خراسان صرفاً با بیان حضور «عده‌ای از معاریف و محترمین» از کنار آن می‌گذرد؛ اما روزنامه‌ی آفتاب شرق برخی از مهمترین افراد حاضر در این جلسه را این‌گونه معرفی می‌کند:

«جناب آقای دکتر شادمان نیابت تولیت عظمی، تیمسار سرلشکر عمیدی فرماندهی سپاه ۶ خاور، تیمسار سرتیپ سردادور فرماندهی لشکر ۸ خراسان، رؤساء ادارات، رجال و معاریف، آمریکائیان مقیم مشهد و جمعی از فرهنگیان در این مجلس حضور داشتند.» (روزنامه‌ی آفتاب شرق، ۱۳۳۵/۷/۲۱: ص ۴)

این مسئله بیانگر اهمیت تشکیل چنین انجمنی از نظر دولتمردان آن زمان می‌باشد. البته می‌توان این‌گونه نیز فرض نمود که مقامات لشگری و کشوری استان با شرکت در هیئت‌مؤسسين انجمن ایران و آمریکا می‌کوشیدند تا بیشتر به مراکز و محافل قدرت نزدیک گردند. در این بین گلایه‌ی برخی از رجال و فعالان سیاسی وقت از دعوت نشدن آنها در چنین محافل و مجالسی تأییدی بر اهمیت آن در نظر فعالان سیاسی وقت است. به عنوان نمونه روزنامه‌ی نوای خراسان در یکی از گزارش‌های خبری، تحلیلی و انتقادی خود به تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۳۵ هـ.خ / ۱۴ مارس ۱۹۵۷ م چنین می‌نویسد:

«چندی قبل انجمن ایران و آمریکا در مشهد تشکیل شد. در جلسه مذکور عده زیادی شرکت داشتند و متأسفانه از مدیران جراید دعوتی به عمل نیامد؟! ... شما تعجب نکنید که در شرایط کنونی همه چیز واقعیت و حقیقت خود را از دست می‌دهد و حتی وقتی می‌خواهند انجمن فرهنگی به وجود بیاورند از تمام صنوف دعوت می‌شوند و شرکت می‌کنند و اسمی از مدیران جراید نمی‌برند.» (روزنامه‌ی نوای خراسان، ۱۳۳۵/۱۲/۲۳: ص ۱)

از مجموعه گزارش‌های موجود این‌گونه معلوم می‌شود که در جلسه‌ی مزبور پس از سخنرانی کوثری مدیرکل فرهنگ خراسان درخصوص لزوم تشکیل انجمن در مشهد، دکتر براین رئیس انجمن روابط فرهنگی ایران و آمریکا در تهران، اطلاعاتی پیرامون آئین‌نامه و طرز کار انجمن در اختیار حضار گذاشته و شرحی از اهداف تشکیل این موسسه بیان نموده است. (همانجا) شرایط عضویت در انجمن نیز به این ترتیب اعلام گردید که:

- ۱، آنهائیکه مایل بعضویت دائم باشند برای همیشه از پرداخت حق عضویت معاف باشند فقط در ابتدای ورود مبلغ پنجهزار ریال ورودیه باید پردازند و عضو مؤسس نیز شناخته می‌شوند.
- ۲، اشخاصیکه می‌خواهند عضو مؤسس باشند باید مبلغ ۱۰۰۰ ریال در بدو ورود و سالیانه ۳۶۰ ریال هم بعنوان حق عضویت پردازند.
- ۳، کسانیکه عضو میشوند در بدو ورود صدریال و همه ساله ۳۶۰ ریال حق عضویت خواهند پرداخت.

فقط دانشجویان نصف قیمت را در تمام موارد پرداخته و بقیه تخفیف داده می‌شود.» (روزنامه- ی خراسان، ۱۳۳۵/۷/۲۲: ص ۴)

در همین جلسه حدود ۱۱۸ نفر از حضار آمادگی خود را برای عضویت در این انجمن اعلام داشتند (همانجا؛ در گزارش روزنامه آفتاب شرق تعداد داوطلبین ۱۲۰ نفر ذکر شده است. روزنامه- ی آفتاب شرق، ۱۳۳۵/ ۷/۲۱: ص ۴) که به نوبه‌ی خود جالب توجه می‌باشد. ظاهراً پس از انتخاب هیئت‌مدیره‌ی موقت انجمن در این جلسه، از سوی همین هیئت‌مدیره جلسات دیگری با هدف گسترش عضوگیری و همچنین تشریح برنامه‌های انجمن برگزار گردیده است. (روزنامه‌ی خراسان، ۱۳۳۵/۹/۱۹: ص ۶) به گونه‌ای که تا تاریخ ۷ اسفند ۱۳۳۵/۲۶ فوریه ۱۹۵۸م هیئت‌مدیره- ی موقت انجمن ایران و آمریکا در مشهد «تعداد ۱۸۹ تعهد عضو مؤسس، ۱۸ تعهد عضویت دائم و ۱۳۶ تعهدنامه عضویت عادی را به امضاء علاقمندان رسیده جمع آوری» نموده بود. (روزنامه‌ی آفتاب شرق، ۱۳۳۵/۹/۴: ص ۴) از این روی انجمن ایران و آمریکا شعبه‌ی مشهد در تاریخ ۱۹ بهمن ۱۳۳۵/۸ فوریه ۱۹۵۸م از سوی شعبه‌ی مرکزی انجمن ایران و آمریکا در تهران به اتفاق آراء اعضاء به ثبت رسید. (همانجا، ۱۳۳۵/۱۲/۷: ص ۴)

آخرین گام در تأسیس شعبه‌ی انجمن ایران و آمریکا در مشهد را باید مربوط به انتخاب هیئت- مدیره دائم انجمن دانست که مقدمات آن با تشکیل جلسه‌ای به تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۳۶/۸ آوریل ۱۹۵۸م مهیا گردید. به گزارش روزنامه‌ی آفتاب شرق در این جلسه:

«آقای وانیر ویس کنسول آمریکا در مشهد چگونگی انتخاب هیئت‌مدیره را تشریح نمودند و گفتند بر طبق اساسنامه انجمن بایستی ۱۵ نفر از بین اعضاء دائم و مؤسس برای هیئت‌مدیره که دوره آن دو سال خواهد بود انتخاب نمایند که ۸ نفر ایرانی و ۷ نفر آمریکایی باشند. البته در پایان سال اول نصف اعضاء یعنی ۴ نفر ایرانی و سه نفر آمریکایی بقید قرعه از عضویت خارج میشوند و چنانچه آن اعضاء وظایف خود را خوب انجام داده باشند برای بار دیگر ممکن است نامزد انتخاب هیئت‌مدیره بشوند.» (همانجا، ۱۳۳۶/۱/۲۰: ص ۴)

و در نهایت امر نیز به تاریخ ۱ خرداد ۱۳۳۶/۲۲ می ۱۹۵۸م با تشکیل جلسه‌ای در محل دبیرستان فردوسی مشهد و با حضور اعضاء انجمن، انتخابات برگزار گردید و ۱۵ نفر عضو ایرانی و آمریکایی هیئت‌مدیره انجمن ایران و آمریکا انتخاب گردیدند. (همانجا، ۱۳۳۶/۳/۲: ص ۴)

محل استقرار انجمن نیز «ابتدا در کوچه کنسولگری افغانستان [واقع در خیابان پهلوی سابق] قرار داشت بعد به کوی دکترا انتقال یافت.» (همانجا، ۱۳۴۱/۱۲/۲۸: ص ۴) گویا در آخرین سال-

های فعالیت انجمن ایران و آمریکا در مشهد، محل استقرار آن به خیابان فرح (قائم - احمدآباد) انتقال یافته بود. (خجسته مبشری، ۱۳۵۳: ص ۳۷۶)

ساختار تشکیلاتی انجمن ایران و آمریکا در مشهد کاملاً منطبق با سازمان‌بندی شعبه‌ی مرکزی در تهران بود. به این صورت که انجمن دارای یک هیئت‌ریسه‌ی مختلط از اعضای ایرانی و آمریکایی و یک مدیرعامل بود. معمولاً رییس انجمن از بین اعضای ایرانی و مدیرعامل از بین اعضای آمریکایی انتخاب می‌شدند.

به این صورت که در رأس انجمن هیئت‌مدیره‌ای متشکل از اعضای ایرانی و آمریکایی قرار داشت. هیئت‌ریسه متشکل از رییس‌کل، دو نایب‌رییس، خزانه دار، منشی و بازرس بود. (روزنامه-ی نبرد ما، ۱۰/۱۰/۱۳۴۵: ص ۱) ظاهراً در چارت تشکیلاتی انجمن فردی خارج از اعضای فوق-الذکر مسئولیت امور اجرایی را بر عهده داشت. عنوان شغلی این فرد در بعضی گزارش‌ها مدیرعامل (روزنامه‌ی آفتاب شرق، ۱۳۴۱/۱۲/۲۰: ص ۴) و در مواردی دیگر رییس انجمن (همانجا، ۱۳۴۰/۱/۱۵: ص ۶) ذکر شده است. ظاهراً این سمت مترادف با رییس آمریکایی انجمن می‌باشد. اما با عنایت به وجود هیئت‌ریسه و رییس‌کل در چارت سازمانی انجمن، عنوان مدیرعامل که نظارت بر کلیه‌ی امور اجرایی و وظیفه‌ی وی بود، صحیح‌تر به نظر می‌رسد. به احتمال قوی با عنایت به برگزاری کلاس‌های آموزشی متنوع، انجمن جدا از تشکیلات اداری، دارای کارکنانی تمام وقت در بخش آموزشی نیز بوده است. وجود عنوان شغلی رییس آموزش انجمن ایران و آمریکا (همانجا، ۱۳۴۱/۸/۳۰: ص ۶) مقوم این فرضیه می‌باشد. البته این کادر آموزشی را نمی‌توان مترادف با اعضای هیئت‌علمی به شمار آورد. زیرا کلیه‌ی برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها حتی در حوزه‌ی تدوین مواد درسی از مرکز صورت می‌گرفت.

در یک جمع‌بندی کلی از برنامه‌ها و فعالیت‌های انجمن ایران و آمریکا در مشهد، می‌توان سه حوزه‌ی آموزشی، فرهنگی-اجتماعی و هنری را متمایز از همدیگر مورد بررسی قرار داد. البته همچنان‌که در ادامه مشاهده خواهد شد این تقسیم‌بندی و تفکیک در برخی موارد چندان صریح و مشخص نیست. زیرا برخی اقدامات و فعالیت‌های انجمن را می‌توان همزمان در چند گروه مورد ارزیابی قرار داد.

فعالیت‌های آموزشی

این حوزه‌ی فعالیت انجمن را می‌توان عمومی‌ترین و در دسترس‌ترین بخش از اقدامات انجمن به شمار آورد. به‌ویژه تشکیل کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی به عنوان شاخص‌ترین فعالیت انجمن همواره مطرح بود. این کلاس‌ها به صورت دوره‌های ترمی ظاهراً سه ماهه یا فصلی برگزار می‌شد. (همانجا، ۱۳۴۰/۹/۲۰: ص ۴؛ نیز بنگرید به: همان ۱۳۴۰/۱۲/۱۴: ص ۴؛ ۱۳۴۱/۳/۲۱: ص ۶؛ ۱۳۴۱/۳/۳۱: ص ۶؛ ۱۳۴۱/۹/۲۴: ص ۶؛ دیلی نیوز بولتین اداره‌ی اطلاعات سفارت کبری انگلیس مشهد، سرویس انتشارات خاور ایران، ۱۳۲۵/۱۲/۲۳) دوره‌ی کامل این کلاس‌ها شامل ۱۲ ترم می‌گردید. متون درسی ارائه شده در این کلاس‌ها جملگی متأثر از تاریخ و تحولات سیاسی و اجتماعی آمریکا و با هدف القاء فضا و فرهنگ جامعه‌ی معاصر آمریکا تدوین شده بود. (جلالی، ۱۳۷۸: ص ۳۰) کلاس‌ها تحت نظر معلمان و اساتید مجرب آمریکایی و ایرانی برگزار می‌گردید. (روزنامه‌ی آفتاب شرق، ۱۳۴۰/۹/۲۳: ص ۱۶) به گزارش برخی منابع ظاهراً این اساتید عموماً زن بودند. (جلالی، ۱۳۷۸: ص ۳۰) تا سال ۱۳۴۰ هـ. خ / ۱۹۶۱م گزارش‌های موجود مبین برگزاری کلاس‌های مجزاً برای دختران و پسران، می‌باشد. (روزنامه‌ی آفتاب شرق، ۱۳۳۹/۶/۱۲: ص ۶؛ ۱۳۴۰/۱/۱۵: ص ۶) گویا پس از آن کلاس‌ها به صورت مختلط تشکیل می‌شده است. (جلالی، ۱۳۷۸: ص ۳۰) به کسانی که دوره‌ی کامل آموزش زبان انگلیسی را طی نموده و در امتحانات مقدماتی و نهایی آن موفق به کسب حدنصاب لازم می‌شدند، دانشنامه‌ای (گواهینامه - مدرک) از طرف دانشگاه میشیگان (University of Michigan) آمریکا اعطا می‌گردید. (روزنامه‌ی خراسان، ۱۳۳۹/۲/۱۱: ص ۸؛ نیز بنگرید به: روزنامه‌ی آفتاب شرق، ۱۳۴۱/۲/۳: ص ۴) در پایان دوره نیز برای فارغ‌التحصیلان مراسم جشن فارغ‌التحصیلی برگزار می‌شد. (همانجا، ۱۳۴۱/۶/۳: ص ۶)

در کنار برگزاری کلاس‌های آموزشی زبان برخی برنامه‌های جنبی و به اصطلاح فوق‌العاده نیز از سوی انجمن در راستای اقدامات آموزشی صورت می‌پذیرفت. از جمله این برنامه‌ها می‌توان به برگزاری جلسات مکالمه بین دانشجویان انجمن اشاره نمود. (همانجا، ۱۳۴۱/۳/۱: ص ۴) شیوه‌ی کار در این قبیل برنامه‌ها بدین طریق بود که دانشجویان ایرانی انجمن به اتفاق «دوستان آمریکایی» (همانجا، ۱۳۴۱/۶/۱۲: ص ۶) در فضایی صمیمی به گفتگو و تبادل نظر می‌پرداختند. معمولاً موضوع گفتگوها که به زبان انگلیسی صورت می‌گرفت پیرامون امور گوناگون «از مسائل خانواده گرفته تا رویدادهای جاری شهر و چگونگی روابط انسانی در جامعه نوین

آمریکا» (جلالی، ۱۳۷۸: ص ۳۱) بود. بدیهی است اگر چه در ظاهر هدف از این برنامه تقویت زبان انگلیسی دانشجویان از طریق مکالمه است. اما در باطن هدف دیگری پیگیری می‌شد و آن اشاعه‌ی فرهنگ جامعه‌ی مدرن آمریکا در بین قشر تحصیلکرده‌ی ایرانی است. زیرا با عنایت به تاثیرگذاری این قشر بر مناسبات اجتماعی و نیز جهت‌گیری افکار عمومی ایران، برنامه‌ریزی برای در اختیار گرفتن عنان اندیشه‌ی این قشر و هدایت آن به سمت و سوی منطبق با اهداف آمریکا بسیار حایز اهمیت بود.

نکته‌ی درخور نگرش در این خصوص، واکنش منفی اقشار مذهبی جامعه نسبت به برگزاری این قبیل برنامه‌ها می‌باشد. به گونه‌ای که نه تنها از فرستادن فرزندان خود به کلاس‌های آموزشی انجمن پرهیز می‌کردند، بلکه سعی می‌گردید حتی الامکان از عبور و مرور در محل استقرار انجمن نیز پرهیز گردد. (مصاحبه با آقای احمدعلی منتظری دبیر بازنشسته‌ی آموزش و پرورش و از معلمین مدرسه‌ی نمونه‌ی هروی (آمریکایی) در تاریخ ۱۳/۸/۱۳۸۸ در محل مرکز تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی) البته باید توجه داشت که این واکنش منفی به هیچ‌روی ناشی از درک صحیح و آگاهانه از اهداف غایی و نیات استعماری مستور در بطن این قبیل برنامه‌ها نبود.

در واقع این واکنش منفی صرفاً ریشه در اعتقادات مذهبی مردم و در تقابل با جنبه‌ی صوری و شکلی این برنامه‌ها بروز می‌نمود. به عبارت دیگر قشر مذهبی جامعه هنگامی که دختران و پسران ایرانی را در کنار دختران و پسران آمریکایی با طرز پوشش نامناسب ایشان - از دیدگاه مذهبی مسلمانان - و در حالی که در باغچه‌ی انجمن (روزنامه‌ی آفتاب شرق، ۱۲/۶/۱۳۴۱: ص ۶) نشسته در ضمن صرف چای و نسکافه به گفتگو و ابراز خوشحالی می‌پردازند، مشاهده می‌نمود، آن را در تضاد با آموزه‌های مذهبی خویش به‌ویژه در پرهیز از اختلاط زن و مرد می‌یافت و از آن تعبیر به تفریح و تفنن و خوشگذرانی (مصاحبه با آقای احمدعلی منتظری) از نوع ناسالم آن یعنی هرزگی می‌نمود. در نتیجه نسبت به آن واکنش منفی نشان می‌داد.

سمینارهای بازآموزی و نیز آموزش روش‌های نوین تدریس دروس مختلف (روزنامه‌ی آفتاب شرق، ۱۹/۹/۱۳۴۱: ص ۲) به‌ویژه زبان انگلیسی (همانجا، ۲۹/۸/۱۳۴۱: ص ۶) یکی دیگر از برنامه‌های جنبی در حوزه‌ی آموزشی بود که توسط انجمن برگزار می‌گردید. معمولاً در این قبیل سمینارها که به نوعی کارگاه آموزشی (Workshop) برای اساتید و معلمان انجمن به شمار می‌آمد، اساتید آمریکایی که از سوی شعبه‌ی مرکزی انجمن در تهران اعزام شده بودند به تدریس می‌-

پرداختند. (همانجا، ۱۳۴۱/۸/۳۰: ص ۶؛ همچنین: ۱۳۴۱/۹/۱۹: ص ۲) اساساً استفاده از روش‌های نوین تدریس و کنار گذاشتن شیوه‌های سنتی آموزش همواره سرلوحه‌ی امور آموزشی در انجمن ایران و آمریکا بود. در این راستا جلسات نمایش فیلم‌های علمی و یا غیرعلمی به زبان انگلیسی به عنوان یکی از برنامه‌های آموزشی در کلاس‌های انجمن برگزار می‌شد. (همانجا، ۱۳۴۱/۸/۵: ص ۶؛ همچنین: ۱۳۴۱/۱۲/۲۵: ص ۲) در برخی موارد نیز از طریق برگزاری جشنواره‌ی (فستیوال) فیلم‌های علمی به تعمیق آموزش دانشجویان کمک می‌گردید. (همانجا، ۱۳۴۱/۸/۵: ص ۶؛ همچنین: ۱۳۴۱/۱۲/ ۲۵: ص ۲)

یکی دیگر از برنامه‌های آموزشی بسیار درخور نگرش که از سوی انجمن ایران و آمریکا و با پشتیبانی مالی برنامه‌ی فولبرایت صورت می‌گرفت، عبارت از اعزام دانشجویان و یا اساتید ایرانی جهت تحصیل در آمریکا بود. در واقع پس از موافقتنامه‌ی منعقد شده بین دولت ایران و آمریکا به منظور فعال‌ساختن برنامه‌ی فولبرایت در سال ۱۳۳۶ هـ. خ / ۱۹۵۷ م و اختصاص بودجه‌ی مورد نیاز آن، امکان تدوین و اجرای طرح اعزام دانشجو به آمریکا میسر گردید. برنامه‌ی فولبرایت که در ابتدا با بودجه‌ی سالانه ۲۵۰ هزار دلار آغاز به کار نمود به مرور زمان گسترش یافت. در این پیوند: «برنامه مبادلات فرهنگی معروف به فولبرایت در سال ۱۳۵۶ هـ. ش ۱۹۷۸ میلادی به حدی توسعه یافت که موجب ثبات نسبی سیاست دموکراتها و جیمی کارتر در هجده ماه اول ریاست-جمهوری اش در مورد ایران شد.» (محمدی، ۱۳۸۸: ص ۶۳)

لازم به ذکر است که در راستای برنامه‌ی مبادلات فرهنگی فولبرایت، صرفاً دانشجویان ایرانی به آمریکا اعزام نمی‌شدند، بلکه در بسیاری موارد برخی معلمان و اساتید دانشگاه نیز به آمریکا فرستاده می‌شدند. اساساً بورس فولبرایت دو شیوه‌ی مختلف را شامل می‌شد. نخستین شیوه عبارت از اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان و یا معلمان و اساتید دانشگاه (روزنامه‌ی آفتاب شرق، ۱۳۴۰/۹/۱۳: ص ۴) بود. داوطلبین پس از شرکت در آزمون فولبرایت، (همانجا، ۱۳۴۰/۵/۵: ص ۶) در صورت کسب حدنصاب نمره‌ی لازم، با هزینه‌ی بنیاد فولبرایت به آمریکا اعزام می‌شدند. در این شیوه بسته به مدت زمان مورد نیاز که اغلب بیش از دو سال بود، پذیرفته شدگان به تحصیل در دانشگاه‌های آمریکا می‌پرداختند. البته با عنایت به وجود برخی گزارش‌ها (همانجا) ظاهراً در موارد خاص امکان تمدید زمان بهره‌مندی از بورس و تحصیل در آمریکا برای متقاضیان وجود داشت.

دومین شیوه‌ی اعزام‌ها مربوط به برنامه‌ی تبادل فرهنگی می‌گردید. در این شیوه که ظاهراً ویژه‌ی معلمان و دبیران آموزش و پرورش (همانجا، ۱۳۳۹/۱/۱۱: ص ۶؛ همچنین: ۱۳۴۱/۱/۲۱: ص ۴) و در برخی موارد اساتید دانشگاه بود، پذیرفته‌شدگان در آزمون و واجدین شرایط بهره‌مندی از بورس، به منظور آشنایی با جامعه‌ی آمریکا و پیشرفت‌های آن در عرصه‌های مختلف، خصوصاً آموزشی و فرهنگی به این کشور اعزام می‌شدند. در این شیوه پذیرفته‌شدگان برای مدت کوتاهی (همانجا، ۱۳۳۹/۱/۱۱، ص ۶) که عموماً از شش یا هفت ماه تجاوز نمی‌کرد با گردش در نقاط مختلف آمریکا به بازدید از مراکز فرهنگی، آموزشی این کشور می‌پرداختند. در برخی موارد نیز در کارگاه‌های آموزشی کوتاه‌مدت شرکت می‌کردند. (همانجا، ۱۳۴۰/۵/۱۷، ص ۶) این گونه به نظر می‌رسد که سررشته‌داران امر در این شیوه کوشیده‌اند معلمین و دبیران و اساتید دانشگاه را تحت تاثیر پیشرفت‌های جامعه‌ی آمریکا قرار دهند و از این طریق این قشر بسیار تأثیرگذار جامعه را که وظیفه‌ی تربیت نسل‌های آینده را بر عهده دارند، مجذوب فرهنگ و شیوه‌ی زندگی آمریکایی بنمایند. بدیهی است در صورت موفقیت در این عرصه، بسیاری از اهداف سیاسی مورد نظر با پشتوانه‌ی اقدامات فرهنگی از این دست به سر منزل مقصود می‌رسید. به عبارت دیگر در این شیوه نظام سیاسی آمریکا می‌کوشید با بهره‌گیری از سیاست کنترل موثر به اهداف مورد نظر خویش که تقابل با شوروی یکی از آنها بود دست یابد. (محمدی، ۱۳۸۸: ص ۶۳)

فعالیت‌های اجتماعی

همچنان‌که در قسمت قبل توضیح داده شده، تقسیم‌بندی که از مجموع اقدامات و فعالیت‌های انجمن ارائه گردید کاملاً دقیق نیست. در این پیوند می‌توان به برخی فعالیت‌های اجتماعی انجمن در مشهد اشاره نمود که جنبه‌ی آموزشی و یا هنری نیز دارند. در واقع در زمینه‌ی تکاپوهای اجتماعی انجمن نکته‌ای که خودنمایی می‌کند تلاش برای برقراری ارتباط با اقشار مختلف جامعه و پیگیری اهداف مورد نظر انجمن است.

برگزاری جلسات سخنرانی با موضوعات مختلف یکی از اقداماتی است که از سوی انجمن به شیوه‌ی پیگیرانه صورت می‌پذیرفت. در این زمینه عموماً اساتید برجسته‌ی آمریکایی برای ایراد سخنرانی دعوت می‌شدند. سخنرانی‌ها که اغلب از جنبه‌ی علمی و آموزشی برخوردار بود، پیرامون موضوعات مختلفی از جمله امور آموزشی و فرهنگی (روزنامه‌ی آفتاب شرق، ۱۳۴۱/۱۱/۱۵: ص ۴ ؛ همچنین: ۱۳۴۱/۱۱/۲۱: ص ۴)، مباحث انسان‌شناسی علمی (همانجا، ۱۳۴۰/۱/۱۹: ص ۶)،

شناخت جنبه‌های ویژه معماری اسلامی (همانجا، ۱۳۳۹/۱/۱۸: ص ۶)، دانشگاه‌های آمریکا و شیوه‌ی پذیرش دانشجو و نحوه‌ی آموزش در آن (همانجا، ۱۳۳۹/۹/۱۵: ص ۶)، صنایع دستی و کارهای زینتی (همانجا، ۱۳۴۱/۲/۱۶: ص ۴) و ... برگزار می‌شد. در این بین برخی از سخنرانی‌ها و محتوای ارائه شده در آن بسیار هدایت‌شده و قابل توجه می‌باشد. به عنوان نمونه بنابر گزارش روزنامه‌ی آفتاب شرق در آذرماه ۱۳۳۹ هـ.خ/ دسامبر ۱۹۶۰م انجمن ایران و آمریکا ضمن دعوت از لایت مادوین (L. Madvin) استاد برجسته‌ی ارتباطات و روزنامه‌نگاری آمریکا، اقدام به برگزاری سمینار و کارگاه آموزشی سه روزه‌ای با موضوع «نقش روزنامه و مجله و رادیو و تلویزیون در اجتماع آمریکایی» (همانجا، ۱۳۳۹/۹/۱۷: ص ۶) می‌نماید. در این ارتباط جمعی از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران و اصحاب رسانه‌های مکتوب مشهد برای شرکت در این سمینار سه روزه دعوت گردیدند. توجه به موضوع سمینار و نیز دعوت از مخاطبان خاص به نیکی گویای هدفمند بودن آن می‌باشد. به عبارت دیگر با توجه به نقش اصحاب رسانه در جهت‌دهی به افکار عمومی، انجمن کوشیده است از طریق ارائه‌ی الگوهای پیشرو در این زمینه ضمن تبلیغ آزادی‌های سیاسی موجود در جامعه‌ی آمریکا موجب گرایش این قشر اجتماعی به سوی حمایت از حضور آمریکاییان در ایران گردد.

در برخی موارد نیز از اساتید و شخصیت‌های برجسته‌ی ایرانی برای ایراد سخنرانی در انجمن دعوت به عمل می‌آمد. (همانجا، ۱۳۳۹/۸/۱۵: ص ۶) در این‌گونه موارد نیز پیگیری اهداف مورد نظر انجمن به وضوح دیده می‌شود. به عنوان نمونه روزنامه‌ی آفتاب شرق در گزارش خبری به تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۴۱ هـ.خ/ ۱۳ می ۱۹۶۲م چنین می‌نویسد:

«از ساعت ۶/۵ بعدازظهر فردا مجلس سخنرانی در انجمن ایران و آمریکا ترتیب داده شده است و از آقای کبیری مشاور و رییس دایره امتحانات فرهنگ دعوت شده است که در این مجلس درباره مشاهدات خود در مسافرت اروپا سخنرانی نمایند.» (همانجا، ۱۳۴۱/۱/۲۳: ص ۶)

البته موضوع برخی از سخنرانی‌ها نیز مرتبط با فرهنگ و ادب ایران (همانجا، ۱۳۴۱/۲/۱۹: ص ۴) و یا اقدامات صورت‌گرفته از سوی اداره‌ی اصل ۴ در ایران (همانجا، ۱۳۳۹/۱۱/۱: ص ۶) می‌گردید. استفاده از فیلم و اسلاید نیز فعالیت جدیدی بود که در جریان برخی سخنرانی‌ها انجام می‌گرفت. (همانجا، ۱۳۳۹/۹/۵: ص ۶)

یکی دیگر از فعالیت‌های اجتماعی که توسط انجمن ایران و آمریکا در مشهد به ظهور می‌پیوست، برگزاری برنامه‌ی نمایش فیلم بود. در این برنامه فیلم‌هایی با موضوعات مختلف به

نمایش گذاشته می‌شد. اما موضوع اکثر این فیلم‌ها مرتبط با جامعه‌ی آمریکا و یا تحولات سیاسی آن بود. از جمله در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۱ هـ. خ/ ۹ می ۱۹۶۲م فیلم مصاحبه‌ی مطبوعاتی جان اف. کندی رئیس‌جمهور آمریکا (همانجا، ۱۳۴۱/۲/۳: ص ۴) و در تاریخ ۴ مهر ۱۳۴۱ هـ. خ/ ۲۶ سپتامبر ۱۹۶۲م فیلم مسافرت ژاکلین کندی (Jacqueline Kennedy) همسر رئیس‌جمهور آمریکا به زبان فارسی به نمایش گذاشته شد. (همانجا، ۱۳۴۱/۷/۴: ص ۶) البته در برخی مواقع نیز فیلم‌هایی با موضوعات علمی و صنعتی به تصویر کشیده می‌شد. (همانجا، ۱۳۴۱/۳/۸: ص ۴؛ همچنین: ۱۳۴۱/۶/۱۲: ص ۶) بی‌تردید گزینش فیلم‌هایی با موضوعات خاص و نمایش آن در انجمن ایران و آمریکا بیانگر اهداف و مطامع آمریکاییان در زمینه‌ی جهت‌دهی به فرهنگ ایرانی می‌باشد.

نکته‌ی درخور توجه در پیوند با برگزاری مراسم سخنرانی و یا نمایش فیلم که توسط انجمن ترتیب داده می‌شد دعوت از شخصیت‌های برجسته‌ی سیاسی و فرهنگی بود. به عبارت دیگر همواره جمعی از «روسای ادارات و معاریف» (همانجا، ۱۳۴۱/۳/۸: ص ۴) به این گونه مراسم دعوت می‌شدند. نمونه‌ی بارز این‌گونه افراد مسئولین آستان قدس بودند که همواره و به مناسبت‌های مختلف به محل انجمن (آرشیو اسناد سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، پرونده‌ی شماره‌ی ۶۸۹۱۲، ص ۱۶) و یا حتی کنسولگری آمریکا (همانجا، پرونده‌ی شماره‌ی ۶۸۹۶۶، ص ۳) دعوت می‌شدند. در واقع انجمن ایران و آمریکا در ابتدای امر فعالیت‌های خود را بر «طبقه حاکم و طبقات مرفه شهری و مراکز دانشگاهی» (جلالی، ۱۳۷۸: ص ۳۴) متمرکز کرده بود. بی‌تردید این هدف‌گذاری مبتنی بر این اصل بود که میزان اثرگذاری این قشر بر سایر طبقات جامعه بیشتر است. به بیان دیگر با عنایت به اینکه طبقات حاکم و مرفه جامعه، در بسیاری مواقع به الگوی رفتاری و کرداری سایر اقشار جامعه تبدیل می‌شوند و در ضمن این طبقه زمینه‌ی بیشتری برای پذیرش افکار و ایده‌های جدید، حتی متضاد با سنت‌های جامعه، دارند؛ بی‌تردید تلاش برای ایجاد تغییر و تحول در اندیشه و عمل طبقات مذکور در فوق تأثیر بسزایی بر سایر بخش‌های جامعه نیز خواهد داشت. البته این سخن به معنی عدم توجه انجمن نسبت به اقشار فرودست جامعه نیست، بلکه بررسی‌های موجود بیانگر این مسئله است که انجمن ایران و آمریکا در طول دوران حیات خود کوشیده است تا پس از تحت تأثیر قراردادن طبقه‌ی حاکم و مرفه جامعه، به طرق مختلف «خودشان را به نهادهای فرهنگی دیگر و توده‌های مردم نزدیک کنند.» (همانجا)

در این ارتباط برگزاری مراسم جشن و ضیافت به مناسبت‌های مختلف و دعوت از روسای ادارات و شخصیت‌های برجسته‌ی سیاسی و فرهنگی همواره مدنظر سررشته‌داران امور انجمن در مشهد بود. نکته‌ی درخور نگرش اینکه بسیاری از این مراسم جشن و سرور به مناسبت‌هایی مرتبط با فرهنگ غرب و به ویژه آمریکا برگزار می‌شد. جشن‌هایی چون جشن شکرگذاری «... روز پیدایش آمریکا که یکی از اعیاد آمریکائیا می‌باشد» (روزنامه‌ی آفتاب شرق، ۱۳۴۱/۸/۳: ص ۶) و یا جشن استقلال آمریکا (همانجا، ۱۳۴۱/۴/۱۴: ص ۶) و نیز جشن سال نو مسیحی (همانجا، ۱۳۴۱/۹/۲۶: ص ۶)^۲ و جشن گل رز (روزنامه‌ی آفتاب شرق، ۱۳۴۰/۲/۲۸: ص ۶) نمونه‌هایی از این قبیل مراسم است.

علی‌رغم اینکه انجمن ایران و آمریکا در کلیه‌ی برنامه‌هایی که بوسیله‌ی آن ترتیب داده می‌شد، می‌کوشید تا دگرگونی فزاینده‌ای در نهادهای سنتی جامعه‌ی ایرانی بوجود آورده و از قِبَل آن به اهداف خویش دست یابد، اما هرگز جانب احتیاط را نیز از دست نمی‌داد. در واقع کارگردانان انجمن سعی می‌کردند با انجام برخی اقدامات نمایشی اینگونه وانمود کنند که به عقاید و باورهای مردم به‌ویژه در زمینه‌ی مذهبی احترام می‌گذارند. در این ارتباط می‌توان به عنوان نمونه از تعطیل نمودن انجمن در مناسبت‌های مذهبی خاص چون عید فطر (همانجا، ۱۳۴۱/۱۲/۶: ص ۴)، عید نیمه‌ی شعبان (همانجا، ۱۳۴۱/۱۰/۲۳: ص ۶)، ولادت امام حسین^(ع) (همانجا، ۱۳۴۱/۱۰/۹: ص ۶)، بعثت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (همانجا، ۱۳۴۱/۱۰/۵: ص ۶) و ایام عزاداری امام حسین^(ع) در پانزده روز نخست محرم (همانجا، ۱۳۴۱/۳/۱۶: ص ۴) و نیز ایام سوگواری امام علی^(ع) (همانجا، ۲۴/۱۳۴۱/۱۱/۱: ص ۴) یاد کرد.

اگرچه فعالیت‌های انجمن ایران و آمریکا گستره‌ی وسیعی را در بر می‌گرفت که از جمله‌ی آن می‌توان به برگزاری نمایشگاه صنایع دستی بانوان (همانجا، ۱۳۳۹/۸/۲۵: ص ۲)، برگزاری مسابقات ورزشی با دعوت از ورزشکاران آمریکایی (همانجا، ۱۳۳۹/۱/۲۳: ص ۶؛ همچنین: ۱۳۴۰/۱۲/۱۹: ص ۴) و حتی تدوین برخی کتب کمک آموزشی چون مجموعه‌ی خواندنیها و سرگرمیها (خواندنیها و سرگرمیها (برای سال ششم ابتدایی)، ۱۳۳۵: ج ۱، ص ۵ - ۳) که ظاهراً هدف از تدوین آن کمک به تقویت و فراگیری زبان فارسی بود و یا انتشار نشریه ماهانه انجمن ایران و آمریکا (برای نمونه بنگرید به: نشریه ماهانه انجمن ایران و آمریکا، دی و بهمن ۱۳۳۷) اشاره نمود. اما در واقع و در پس همه‌ی این برنامه‌های متنوع و متعدد، هدف و اندیشه‌ای واحد نهفته بود. آن هدف نیز عبارت از دگرگونی در فرهنگ سنتی ایران و دور نمودن آن از مبادی

ارزشی خاص اسلامی و استحاله‌ی این فرهنگ غنی به گونه‌ای که به مرور زمان تبدیل به فرهنگی وابسته به فرهنگ غربی گردد.

فعالیت‌های هنری

سومین حوزه‌ی فعالیت‌های انجمن ایران و آمریکا مربوط به امور هنری می‌گردید. این قسم از اقدامات انجمن را می‌توان به دو گونه‌ی نظری و عملی تفکیک نمود. در بخش نخستین یا همان بخش نظری انجمن با دعوت از صاحب‌نظران آمریکایی و بعضاً ایرانی در عرصه‌ی ادبیات، موسیقی و سایر هنرها نشست‌های علمی همراه با سخنرانی برگزار می‌گردید. جالب اینکه در این قسمت عموماً مباحث مرتبط با هنر غربی و آمریکایی مورد بررسی و تشریح قرار می‌گرفت. مباحثی چون بررسی نمایشنامه‌ی رومئو و ژولیت (Romeo and Juliet) و موسیقی کلاسیک (روزنامه‌ی آفتاب شرق، ۱۳۴۱/۶/۸: ص ۶) و سمفونی ششم بتهوون (Ludwig van Beethoven) و ویژگی‌های آن (همانجا، ۱۳۴۱/۶/۴: ص ۶) اشعار مدرن آمریکایی (همانجا، ۱۳۴۱/۹/۱۰: ص ۶) به ویژه اشعار ویتمن (Walt Whitman) شاعر نوین و روزنامه‌نگار و نیز پدیدآورنده‌ی شعر آزاد آمریکایی (همانجا، ۱۳۴۱/۷/۲۸: ص ۶) از جمله موضوعات مطرح شده در این قبیل سخنرانی‌ها بود.

اما در بخش عملی فعالیت‌های هنری که معمولاً بسیار باشکوه‌تر و در برخی موارد نیز به مناسبت اعیاد مذهبی مسلمانان ترتیب داده می‌شد (همانجا، ۱۳۴۰/۶/۸: ص ۶)؛ برنامه‌هایی چون اجرای کنسرت توسط گروه‌های موسیقی ایرانی و آمریکایی اجرا می‌گردید. در این ارتباط از هنرمندان آمریکایی به‌ویژه در عرصه‌ی موسیقی و شعر (روزنامه‌ی خراسان، ۱۳۴۰/۱/۲۵: ص ۸) نیز برای اجرای برنامه دعوت به عمل می‌آمد. (روزنامه‌ی آفتاب شرق، ۱۳۴۰/۲/۲: ص ۶)؛ نیز بنگرید به: روزنامه‌ی نور ایران، ۱۳۳۹/۳/۱۴: ص ۱) در کنار برگزاری کنسرت‌های موسیقی با دعوت از شاعران مطرح آمریکایی (روزنامه‌ی آهنگ خاور، ۱۳۴۱/۷/۳: ص ۴) مراسم شعرخوانی یا شب شعر اجرا می‌شد.

برپایی نمایشگاه آثار هنرمندان آمریکایی یکی دیگر از اقدامات هنری آمریکایی‌ها در مشهد بود. به عنوان نمونه می‌توان از برپایی نمایشگاه آثار نقاشی ژرژ بوهر (George Bohr) نقاش معروف آمریکایی در مشهد یاد کرد. (روزنامه‌ی آفتاب شرق، ۱۳۳۹/۹/۱۰: ص ۶) در کنار موارد

فوق اجرای تئاتر و نمایشنامه‌های متنوع که اغلب اقتباس از آثار غربی بود (همانجا، ۱۳۴۰/۶/۸: ص ۶) نیز یکی دیگر از برنامه‌های هنری صورت‌پذیرفته در انجمن ایران و آمریکا به شمار می‌آید. بدیهی است در این قسمت نیز توجه ویژه‌ای به مقوله‌ی مخاطب‌شناسی در پیوند با هر برنامه می‌شده است. در این راستا اجرای برنامه‌های هنری چون کنسرت‌های شاد و مفرح برای جوانان و دانشجویان (همانجا، ۱۳۴۱/۲/۲۶: ص ۴) و یا اجرای برنامه‌ی شب شعر با دعوت از شعرا و نویسندگان مشهور (همانجا، ۱۳۴۰/۱۲/۲۲: ص ۴) و نیز اجرای برنامه‌های تلفیقی با دعوت از روسای ادارات و شخصیت‌های برجسته و به ویژه ثروتمندان شهر مشهد (همانجا، ۱۳۴۱/۳/۱۳: ص ۴) نمونه‌هایی از دقت در گزینش نوع برنامه‌ی متناسب با مخاطب است.

نتیجه

آمریکا در روند توسعه و گسترش نفوذش در ایران بسیار کوشید تا بنیان‌هایی مستحکم و استوار برای دوام حضور در این کشور مهیا نماید. از این روی ابتدا با تدوین برنامه‌ها و طرح‌هایی دقیق، در اندیشه‌ی رسوخ و نفوذ در مهمترین عرصه‌ی حیات اجتماعی، یعنی فرهنگ بود. البته در این شیوه از تمام توان تبلیغی و سیاسی و اقتصادی خویش بهره برد. این‌گونه به نظر می‌رسد که انجمن روابط فرهنگی ایران و آمریکا در این عرصه نقش جلودار و پیش‌آهنگ را ایفا می‌نموده است. چرا که تقریباً برآیند تمام برنامه‌های این انجمن در هماهنگی کامل با منافع و مطامع سیاسی و اقتصادی آمریکا در ایران و در رقابت با سایر قدرت‌های استعماری جهان قرار داشت. به شیوه‌ای که سرآغاز بسیاری از حرکت‌های سیاسی صورت گرفته از سوی آمریکا در ایران را می‌توان با اندک جستجویی در انجمن ایران و آمریکا مشاهده نمود.

تأسیس و راه‌اندازی شعبات متعدد در شهرهای بزرگ ایران چون مشهد نیز خود نمودی از گستردگی تکاپوهای این انجمن می‌باشد. نکته‌ی حایز اهمیت در خصوص شعبه‌های انجمن در دیگر شهرهای ایران، الگو برداری و هماهنگی کامل آنان با برنامه‌ها و شیوه‌های عمل شعبه‌ی مرکزی در تهران است.

بی تردید بررسی و مطالعه پیرامون تکاپوهای انجمن روابط فرهنگی ایران و آمریکا عرصه‌ای فراخ و دارای پیچیدگی‌ها و زوایای بسیاری است؛ که پرداختن به همه‌ی آنها از عهده‌ی یک مقاله خارج بوده و حتی از این ظرفیت برخوردار است که چندین کتاب در خصوص آن به رشته‌ی

تحریر درآید. به همین دلیل این مقاله را می توان صرفاً به عنوان یک تلاش آغازین مورد توجه قرار داد.

یادداشتها

- ۱- در ادامه برای رعایت اختصار از عنوان انجمن ایران و آمریکا استفاده خواهد شد.
- ۲- آقای اژدر جلیلیان پوردانش متذکر می شود معمولاً در این گونه مراسم برنامه‌ی اطعام فقرا نیز ترتیب داده می شده است. مصاحبه با آقای اژدر جلیلیان پوردانش تکنسین اتاق عمل بیمارستان آمریکایی مشهد در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۱۳ در محل مجموعه‌ی فرهنگی - تاریخی نادری. گویا اینگونه فعالیت‌های خیریه معمولاً در محل باشگاه آرامنه‌ی مشهد برگزار می شده است. در این خصوص بنگرید به: الهی، ۱۳۸۲: ص ۲۵۱)

منابع و مأخذ

کتاب‌ها:

۱. الهی، حسین، ۱۳۸۲، احزاب و سازمانهای سیاسی و عملکرد آنها در خراسان (۳۲) - (۱۳۲۰)، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.
۲. ترابی، یوسف، ۱۳۷۹، بررسی روابط اقتصادی، نظامی ایران و ایالات متحده آمریکا، تهران، موسسه‌ی چاپ و نشر عروج.
۳. خجسته مبشری، محمدحسین، ۱۳۵۳، تاریخ مشهد، مشهد، چاپخانه‌ی خراسان.
۴. جلالی، غلامرضا، ۱۳۷۸، مشهد در بامداد نهضت امام خمینی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. دورکیم، امیل، قوانین و روشهای جامعه شناسی، ترجمه‌ی ع. شکیباپور، تهران، کتابفروشی نیما، بی تا.
۶. کرامتی، محمدتقی، ۱۳۸۳، وسوسه شیطان بزرگ، قم، انتشارات همای غدیر.
۷. محمدی، غلامحسین، ۱۳۸۸، روابط فرهنگی ایران و آمریکا (تا پیروزی انقلاب اسلامی)، تهران، انتشارات فردوس.
۸. موجانی، سیدعلی، ۱۳۷۵، بررسی مناسبات ایران و آمریکا (۱۸۵۱-۱۹۲۵م)، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۹. هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۸۱، موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه‌ی احمد شهسا، تهران، انتشارات روزنه، چاپ سوم.
۱۰. هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۷، عبدالرضا، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰، تهران، نشر پیکان، چاپ چهارم.

مقالات

۱. آشنا، حسام‌الدین، پاییز ۱۳۸۴، «دیپلماسی فرهنگی آمریکا در ایران انجمن ایران و آمریکا»، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال دوم، شماره‌ی نهم.
۲. پورشافعی، هادی، شهریور ۱۳۸۰، «برنامه‌ریزی فرهنگی و چالشهای آن»، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان (ویژه نامه تاریخ و علوم اجتماعی)، سال هفتم، شماره‌ی ۱۵.

۳. حیدری، اصغر، فروردین ۱۳۸۵، «شریک آمریکایی فروغی نگاهی به فعالیتهای آرتور پوپ در ایران»، ماهنامه زمانه، سال پنجم، شماره ۴۳.
۴. دانشور، خرداد و تیر ۱۳۲۹، «پیشنهاد لازم روابط فرهنگی - قانون فولبرایت»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۹-۲۰.

نشریات:

۱. خواندنیها و سرگرمیها (برای سال ششم ابتدایی)، انتشارات صندوق مشترک فرهنگی ایران و آمریکا، ۱۳۳۵.
۲. دیلی نیوز بولتین اداره اطلاعات سفارت کبری انگلیس مشهد، ۱۳۲۵/۱۲/۲۳، شماره ۶۶، سرویس انتشارات خاور ایران.
۳. روزنامه‌ی آفتاب شرق.
۴. روزنامه‌ی آهنگ خاور.
۵. روزنامه‌ی خراسان.
۶. روزنامه‌ی نبرد ما.
۷. روزنامه‌ی نوای خراسان.
۸. روزنامه‌ی نور ایران.
۹. نشریه ماهانه انجمن ایران و آمریکا، دی و بهمن ۱۳۳۷.

اسناد:

۱. آرشیو اسناد سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، پرونده‌ی شماره‌ی ۶۸۹۱۲ و پرونده‌ی شماره‌ی ۶۸۹۶۶.

مصاحبه‌ها:

۱. مصاحبه با آقای احمدعلی منتظری دبیر بازنشسته‌ی آموزش و پرورش و از معلمین مدرسه‌ی نمونه‌ی هروی (آمریکایی) در تاریخ ۱۳۸۸/۸/۱۳ در محل مرکز تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
۲. مصاحبه با آقای اژدر جلیلیان پوردانش تکنسین اتاق عمل بیمارستان آمریکایی مشهد در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۱۳ در محل مجموعه‌ی فرهنگی - تاریخی نادری.